



International Conference on The School of Martyr Soleimani  
(ICSMS 2021)

## The school foundations of "Islamic society" in Imam Khamenei's intellectual system

Mahmoud Pakizeh<sup>1</sup>  
Mohammad Shbdyny<sup>2</sup>

### Abstract

The concept of Islamic society and understanding its theoretical foundations in this article is important in at least two ways: First, this concept is one of the distinguishing features of this society from other societies (such as liberal society, communist society, or even non-Islamic religious communities such as Christian society or Jewish society). Secondly, in the five stages of reaching Islamic civilization (Islamic Revolution, Islamic system, Islamic state, Islamic society and Islamic civilization), which was portrayed by Ayatollah Khamenei as a Muslim thinker and thinker, Islamic society as the fourth position. Civilization is of great importance. Ayatollah Khamenei, as a Muslim thinker, has a special understanding of the concept of Islamic society. The fundamental question of the present study is what are the most important basic components influencing Ayatollah Khamenei's perception of Islamic society and how is this influencing? In order to understand this particular perception and also to discover the place of Islamic society in his intellectual system, it is necessary to understand the a priori foundations of Islamic society in his view. The method of the present article is descriptive-analytical. The hypothesis of this article is that the a priori principles of Ayatollah Khamenei (which can be mentioned under the general title of the foundations of Islamic thought) have a decisive effect on his perception and view of Islamic society. The findings of this study show that the four basic concepts of "monotheism", "province", "Islamic ontology" and "Islamic anthropology" have a special effect on the characteristics and position of Islamic society in the view of Ayatollah Khamenei.

**Keywords:** School, Islamic society, Imam Khamenei, monotheism, province,

<sup>1</sup> Assistant professor, International Relations, Department of Political Science, Faculty of Humanities, Imam Sadegh Research Institute of Islamic Sciences

<sup>2</sup> Assistant professor, International Relations, Department of Political Science, Faculty of Humanities, Imam Sadegh Research Institute of Islamic Sciences



## مبانی مکتبی «جامعه اسلامی»

### در منظومه فکری امام خامنه ای (مد ظله)

محمود پاکیزه \* و محمد شبیدینی \*\*

#### چکیده

مفهوم شناسی جامعه اسلامی و فهم مبانی نظری آن در این نوشتار، حداقل از دو جهت اهمیت می یابد: اولاً اینکه این مفهوم، یکی از وجوه تمایز و تشخیص این جامعه با سایر جوامع (نظیر جامعه لیبرالی، جامعه کمونیستی و یا حتی جوامع دینی غیر اسلامی نظیر جامعه مسیحی و یا جامعه یهودی) است. ثانیاً در مراحل پنج گانه رسیدن به تمدن اسلامی (انقلاب اسلامی، نظام اسلامی، دولت اسلامی، جامعه اسلامی و تمدن اسلامی) که از سوی آیت الله خامنه ای به عنوان یک متفکر و اندیشمند مسلمان ترسیم شده، جامعه اسلامی به عنوان چهارمین موقف از مواضع تمدن سازی، از اهمیت بالایی برخوردار است. حضرت آیت الله خامنه ای به عنوان یک متفکر مسلمان، تلقی خاصی از مفهوم جامعه اسلامی دارد. پرسش بنیادین پژوهش حاضر این است که مهم ترین مولفه های مبانیی تاثیر گذار بر تلقی آیت الله خامنه ای از جامعه اسلامی کدام اند و نحوه ی این تاثیر گذاری چگونه است؟ برای فهم این تلقی خاص و نیز کشف جایگاه جامعه اسلامی در منظومه فکری ایشان، لازم است بنیادهای پیشینی جامعه اسلامی در نگاه ایشان فهم شود. روش نوشتار حاضر، توصیفی-تحلیلی است. فرضیه این نوشتار این است که مبانی پیشینی آیت الله خامنه ای (که ذیل عنوان کلی بنیادهای اندیشه اسلامی می توان از آن یاد کرد)، تاثیر تعیین کننده ای بر تلقی و نوع نگاه ایشان به جامعه اسلامی دارد. یافته های این تحقیق نشان می دهد که چهار مفهوم بنیادین «توحید»، «ولایت»، «هستی شناسی اسلامی» و «انسان شناسی اسلامی»، تاثیر خاصی بر مختصات و ترسیم جایگاه جامعه اسلامی در نگرش آیت الله خامنه ای دارند.

**کلیدواژه ها:** مکتب، جامعه اسلامی، امام خامنه ای، توحید، ولایت، انسان شناسی.

\* استادیار پژوهشگاه علوم اسلامی امام صادق (ع)

\*\* استادیار پژوهشگاه علوم اسلامی امام صادق (ع)

## مقدمه

جامعه، یکی از آن مفاهیم به ظاهر ساده، اما به غایت پیچیده و سیالی است که از قضا قابلیت های فراوانی برای تاویل می یابد. اینکه جامعه چیست؟ و از چه عناصری تشکیل شده است؟ آیا جامعه، محصول جمع ریاضی فرد فرد انسان هایی است که در یک جغرافیای خاص با هم زندگی می کنند یا نوعی اجتماع است که در بطن خود، حامل نوعی وحدت ارگانیستی است؟ آیا جامعه اصالت دارد یا فرد؟ و ... همه و همه ی این پرسش ها، محل نزاع و معرکه آراست. البته در اینجا قصدی برای ورود به تمامی این پرسش های بنیادین نیست، منتها غرض ذکر این نکته است که اختلافات زیادی در تلقی مکاتب و اندیشمندان مختلف در پاسخ به پرسش های مذکور وجود دارد. جامعه، آنگاه که متصف به برخی وصف های خاص می شود (نظیر مفهوم جامعه اسلامی)، قدری معنای روشن تری می یابد و به نسبت مفهوم خود جامعه، از وضوح مفهومی بالاتری برخوردار می شود؛ چرا که وقتی از جامعه اسلامی صحبت به میان می آید، جامعه، بیشتر در اینجا نوعی فرم و قالب در نظر گرفته می شود که روح، محتوا و جهت گیری های خاص آن را ارزش های اسلامی تعیین می کند؛ چنانکه برای مفهومی به نام جامعه مسیحی و یا جامعه یهودی و حتی مفهومی به نام جامعه مدرن نیز می توان به سیاق مفهوم جامعه اسلامی، از جهت گیری های یک جامعه در جهت ارزش های مسیحی، یهودی و یا ارزش های جهان تجدد و مدرنیته سخن گفت. در خصوص جامعه اسلامی نیز ذکر این نکته لازم است که تلقی اندیشمندان مسلمان از این مفهوم تلقی واحدی نیست و تعاریف متعددی از آن وجود دارد. به عنوان مثال در بین اندیشمندان مسلمان معاصر نظیر علامه طباطبایی، محمد باقر صدر، امام خمینی، استاد مطهری، شهید بهشتی و ... تفاوت هایی در تلقی آن ها از مفهوم جامعه و نیز جامعه اسلامی وجود دارد. یکی از اندیشمندان مسلمان معاصر که جامعه اسلامی، جایگاه مهمی در منظومه فکری ایشان دارد، آیت الله خامنه ای است. نکته مهمی که در این میان وجود دارد، این است که اندیشه اجتماعی هر اندیشمندی، دارای یک مبانی پیشینی است و لذا فهم آن اندیشه بدون فهم آن مبانی و عقبه قابل فهم نیست. طبیعی است که تلقی آیت الله خامنه ای از جامعه اسلامی نیز ریشه در مبانی پیشینی اندیشه ایشان دارد که به منظور فهم جایگاه جامعه اسلامی در منظومه فکری معظم له، این مبانی باید به درستی فهم شود. پیش فرض مقاله حاضر این است که ارتباط معناداری میان جامعه اسلامی در اندیشه آیت الله خامنه ای با مبانی پیشینی اندیشه ایشان (و نوع نگاه خاص به مسأله توحید، اسلام شناسی، هستی شناسی و انسان شناسی) وجود دارد. بر این اساس پرسش پیش روی مقاله حاضر این است که مهم ترین مولفه های مبانی تاثیر گذار بر تلقی آیت الله خامنه ای از جامعه اسلامی کدام اند؟ نحوه ی این تاثیر گذاری چگونه است؟ و جامعه اسلامی مورد نظر ایشان چه ویژگی هایی دارد؟

## مبانی نظری و پیشینه پژوهش

مقالات متعددی تاکنون پیرامون اندیشه آیت الله خامنه ای به رشته تحریر درآمده است. عمده مقالاتی که در این فضا نوشته شده، بیشتر به دولت دینی، نظام سازی و انقلاب اسلامی و ... در اندیشه آیت الله خامنه ای پرداخته است (نوری، ۱۳۹۷؛ لک زایی، ۱۳۹۷؛ عینی زاده، ۱۳۹۶؛ معینی پور، ۱۳۹۵؛ اشرفی، ۱۳۹۵؛ جاویدی، ۱۳۹۵) و مفهوم جامعه و یا جامعه اسلامی از نظر ایشان، کمتر مورد مذاقه نظری قرار گرفته است. از میان معدود آثار نگاشته شده در این باره چهار اثر به موضوع پژوهش



حاضر نزدیک و حائز اهمیت بودند.

در مقاله انسان و جامعه در اندیشه سیاسی آیت الله خامنه‌ای (لک زایی، ۱۳۹۵) نویسنده با روشی تحلیلی و استنادی سعی کرده به این پرسش پاسخ دهد که از نظر آیت الله خامنه‌ای، نگاه اسلام به فرد انسان و مجموعه انسان‌ها چگونه است؟ این مقاله با آن که به نکات مهمی می‌پردازد، اما مساله اش، کمتر مربوط به تبیین بنیان‌های پیشینی جامعه اسلامی در تلقی آیت الله خامنه‌ای است.

شفیعی و نیک بین (۱۳۹۴) در مقاله‌ای با عنوان «مؤلفه‌های کارآمدی نظام دینی در اندیشه مقام معظم رهبری» بیان می‌کنند دین می‌تواند برای تمام عرصه‌های اجتماعی، در کلیه زمان‌ها و مکان‌ها راهکارهایی متناسب با وضعیت موجود ارائه دهد. کارآمدی در نظام دینی با کارآمدی یک جامعه سکولار متفاوت بوده و نظام دینی باید علاوه بر تلاش در جهت تحقق بعد عام کارآمدی باید به بعد اختصاصی آن نیز توجه داشته باشد. برای دستیابی به این مهم در جامعه، باید سه عنصر مهم دین یعنی اعتقادات، اخلاق و احکام مورد توجه قرار گیرد. در این صورت، دین می‌تواند حداکثر میزان کارآمدی را به نمایش گذارد. کارآمدی نظام جمهوری اسلامی نیز، که بر اساس دین پی‌ریزی شده است، باید در چارچوب همین سه مؤلفه مورد ارزیابی قرار گیرد. این مقاله با وجود قوت علمی در خصوص مبانی اندیشه سیاسی رهبری بحثی به میان نیاورده است.

مقاله دیگری در کتاب منظومه فکری آیت الله العظمی خامنه‌ای (خسروپناه و همکاران، ۱۳۹۶) با عنوان «جامعه اسلامی» آمده است. این مقاله نیز عمدتاً به مباحثی نظیر اهداف جامعه مطلوب (اعم از اهداف غایی و اهداف میانی)، شاخصه‌های جامعه مطلوب اسلامی و آسیب‌شناسی جامعه مطلوب می‌پردازد. نویسنده در این مقاله با آنکه در گفتار دوم مقاله به مبانی جامعه مطلوب می‌پردازد، در عین حال به اختصار و گذرا، به برخی از مبانی این جامعه نظیر مبانی انسان‌شناختی، مبانی هستی‌شناختی و مبانی فرجام‌شناختی اشاراتی مختصر دارد. نویسنده مقاله ضمن اینکه عمدتاً به مساله کلی ارتباط وثیق میان مبانی اعتقادی و ساخت کلی جامعه تاکید می‌کند کم‌تر به تشریح این مبانی و نحوه تاثیرگذاری آن‌ها بر ساخت جامعه اسلامی می‌پردازد. لذا نوشتار حاضر از جهت پرداخت تفصیلی به مبانی جامعه اسلامی و نحوه تاثیر این مبانی ساخت اجتماعی این جامعه، حاوی وجوه نوآورانه محسوب می‌شود.

از شیوه‌های شناخت اندیشه یا مواضع سیاسی و رفتاری هر متفکر در حوزه سیاسی و اجتماعی، مشخص شدن مبانی فکری و اندیشه‌ای اوست. در مجموع، اندیشه یا رفتار رجال سیاسی مذهبی در چهارچوب منطق و عقلانیت ویژه‌ای شکل می‌گیرد که می‌تواند خاستگاه‌های معرفتی گوناگون داشته باشد (نعیمیان، ۱۳۸۹: ۳۵۳-۳۵۱). آیت‌الله خامنه‌ای نیز از این قاعده مستثنا نیست. بنابراین برای درک اندیشه سیاسی-اجتماعی او و به طور مشخص‌تر شناخت دیدگاه وی درباره جامعه اسلامی و ابعاد و مؤلفه‌های آن، لازم است شالوده‌های فکری و فلسفی ایشان به لحاظ هستی‌شناسی، معرفت‌شناسی و انسان‌شناسی بررسی گردد.

### ۳-۱- هستی‌شناسی

هستی‌شناسی از لحاظ لغوی عبارت است علم یا فلسفه هستی (های، ۱۳۸۵: ۱۰۶) و در اصطلاح فلسفه، نظریه عام است درباره این که چه چیزها و یا چه جوهرهایی در جهان وجود دارند (بنتون و کرایب، ۱۳۸۴: ۲۲). به تعبیری هستی‌شناسی شاخه‌ای از فلسفه است که به مطالعه بودن، هستی یا وجود می‌پردازد (باقری دولت‌آبادی و شفعی، ۱۳۹۳: ۵۶).



### ۳-۲- معرفت شناسی

معرفت شناسی یا شناخت شناسی شاخه ای از فلسفه است که به عنوان نظریه چستی معرفت و راه های حصول آن تعریف می شود. اینکه چگونه می دانیم که چیزی را که می دانیم، می دانیم پرسش کلیدی است که معرفت شناسی درصدد پاسخ به آن است. (صادقی فسایی و ناصری، ۱۳۹۰: ۸۱).

### ۳-۳- انسان شناسی

انسان شناسی یکی از مهم ترین دانش های زیربنایی در علوم انسانی است. شناخت دقیق و جامع چستی و هویت انسان شناسی در آمد ورود به مباحث آن است. در این نوع بررسی، سؤالات اساسی و محوری درباره آدمی طرح می گردد و محقق باید به دنبال پاسخ به چنین سؤالاتی باشد؛ سؤالاتی از این قبیل: آیا انسان موجودی کاملاً مادی است به گونه ای که همه فعالیت های روانی و فکری او قابل تبیین فیزیولوژیک باشد؟ یا این که فعالیت های روانی او ماهیتی غیرمادی دارد و مستند به جوهری غیرمادی به نام روح انسانی است؟ آیا انسان ها دارای سرشت و طبیعت واحد و مشترکی هستند یا نه؟ کمال انسانی چیست و راه وصول به آن کدام است؟ (شمس، ۱۳۸۷: ۱۲۴).

## ۵- بنیادهای جامعه اسلامی در اندیشه آیت الله خامنه ای

### ۵-۱- هستی شناسی اسلامی

انسان، بخشی از هستی است. تأملات یک متفکر در باب هستی، تعیین کننده جهات و سمت و سوی انسان شناسی آن متفکر است. آیت الله خامنه ای هم به عنوان یک متفکر اسلامی از این قانده مستثنی نیست؛ لذا برای شناخت مؤلفه های انسان شناسی در اندیشه آیت الله خامنه ای (و تأثیری که بر تلقی ایشان از مفهوم جامعه اسلامی دارد) ناگزیر به بیان مؤلفه های هستی شناسی اسلامی در اندیشه ایشان هستیم. منظور از جهان بینی اسلامی در اینجا، مجموعه معارفی است که خطوط اصلی عملکرد و وظایف ما (به عنوان یک انسان مسلمان) از آنها به دست می آید (آیت الله خامنه ای، ۱۳۷۹/۹/۱۲). ایشان در دیدار با کارگزاران نظام در سال ۷۹، خطوط اصلی این جهان بینی اسلامی را توضیح می دهند. رهبری یکی از ارکان اول مهم جهان شناسی اسلامی را مساله «توحید» می دانند. رکن دیگر جهان بینی اسلامی که با مساله انسان شناسی ارتباط مستقیمی دارد عبارت است از: «تکریم انسان» انسان ها فارغ از نوع نژاد، جنسیت، زیست جغرافیایی و حتی دین و مذهب، دارای کرامت ذاتی هستند؛ چنانکه تعبیر قرآن «و لقد کرمنا بنی آدم» که در قرآن آمده، ناظر به همین کرامت ذاتی آدمی است. در واقع در اینجا با نوعی انسان محوری (به معنای دینی کلمه) مواجه هستیم که با اومانیسیم و روشنگری و سوپژکتیویسم، کاملاً متفاوت است.

آیت الله خامنه ای در مورد تکریم انسان طبق نگاه اسلامی در هر دو حوزه تکوین و تشریح، اینچنین اظهار می دارند: «کسی که قرآن و نهج البلاغه و آثار دینی را نگاه کند، این تلقی را به خوبی پیدا می کند که از نظر اسلام، تمام این چرخ و فلک آفرینش، بر محور وجود انسان می چرخد. این شد انسان محوری. در آیات زیادی هست که خورشید مسخر شماست، ماه مسخر شماست، دریا مسخر شماست؛ اما دو آیه هم در قرآن هست که همین تعبیری را که گفتیم -«سخر لکم ما فی السموات و ما فی الارض»؛ همه اینها مسخر شماست- بیان می کند. مسخر شماست، یعنی چه؟ یعنی الان بالفعل شما مسخر همه شان





هستید و نمی‌توانید تأثیری روی آنها بگذارید؛ اما بالقوه طوری ساخته شده‌اید و عوالم وجود و کائنات به گونه‌ای ساخته شده‌اند که همه مسخر شمایند. مسخر یعنی چه؟ یعنی توی مشت شمایند و شما می‌توانید از همه آنها به بهترین نحو استفاده کنید. این نشان دهنده آن است که این موجودی که خدا آسمان و زمین و ستاره و شمس و قمر را مسخر او می‌کند، از نظر آفرینش الهی بسیار باید عزیز باشد. همین عزیز بودن هم تصریح شده است: «و لقد کرمنا بنی آدم». این «کرمنا بنی آدم» - بنی آدم را تکریم کردیم - تکریمی است که هم شامل مرحله تشریح و هم شامل مرحله تکوین است؛ تکریم تکوینی و تکریم تشریحی با آن چیزهایی که در حکومت اسلامی و در نظام اسلامی برای انسان معین شده؛ یعنی پایه‌ها کاملاً پایه‌های انسانی است. (آیت الله خامنه‌ای، ۱۳۷۹/۹/۱۲)

از عبارات بالا، می‌توان این نکته را برداشت کرد که جامعه اسلامی است که پایه آن بر مبنای تکریم انسان بنا شده است، یعنی علاوه بر تکریم تکوینی، حکومت موظف است در تشریح و در حوزه قانونگذاری و سیاستگذاری، به گونه‌ای عمل نماید تا کرامت و عزت ذاتی آحاد جامعه اسلامی محفوظ بماند.

یکی دیگر از ارکان جهان بینی اسلامی، که آن هم ارتباط با مساله انسان شناسی دارد، مساله تداوم حیات پس از مرگ است. اصولاً یکی از تفاوت‌های اسلام و مکاتب مادی در همین مساله است. تداوم حیات انسان پس از مرگ، به مثابه ی نوعی افق‌گشایی در برابر اوست؛ به بیان دیگر، مرگ به مثابه پلی است که ما را از دنیا (ممر) به دارالقرار آخرت (مقبر) عبور می‌دهد و لذا به هیچ وجه پایان حیات محسوب نمی‌شود. این مساله آنگاه که در یک مقیاس اجتماعی ملاحظه شود، تعریف ما از جامعه و دولت را به کلی دگرگون می‌کند. در نگاه مادی و ماتریالیستی، به دلیل فقدان اعتقاد به مساله ابدیت و حیات پس از مرگ، نوعی نگاه تک بعدی و حیوانی نسبت به جامعه وجود دارد و حتی در برنامه ریزی‌هایی که برای تامین نیازها و اهداف چنین جوامعی در نظر گرفته می‌شود (از قبیل برنامه‌های توسعه)، متوقف در نیازهای حیوانی و مادی است. اما جامعه اسلامی، به دلیل نگرش خاصی که به مساله حیات دارد، جامعه‌ای است که دنیا را مزرعه آخرت می‌داند؛ لذا گرچه در این دنیا تلاش می‌کند، از مواهب آن بهره‌مند گردد و از جمله به فکر منافع مادی خود نیز هست (چنانکه جامعه گرسنه، فقیر و ناامن به هیچ وجه مطلوب دین نیست)، لکن تمامی فعالیت‌های خود را رو به سوی حیات ابدی و ناظر به آن، جهت‌گیری و تنظیم می‌کند.

رکن مهم دیگر جهان بینی اسلامی، مربوط است به ظرفیت‌ها و استعدادهای نامحدود و بی‌پایان آدمی برای نیل به تعالی است. رهبری در این زمینه می‌گوید: «انسان استعداد دارد که تا آخرین نقطه تعالی حیات ممکنات بالا برود؛ اما بقیه موجودات این امکان را ندارند. در آیه شریفه «لقد خلقنا الإنسان فی احسن تقویم»، «احسن تقویم» معنایش این نیست که ما جسم انسان را طوری آفریده‌ایم که مثلاً سرش با دستش با چشمش با تنش تناسب دارد؛ این که مخصوص انسان نیست؛ هر حیوانی نیز همین‌طور است. در بهترین تقویم، یعنی در بهترین اندازه‌گیری انسان را آفریده‌ایم؛ یعنی آن اندازه‌گیری است که رشد او دیگر نهایت و اندازه‌ای ندارد؛ تا آنجایی می‌رود که در عالم وجود، سقفی بالاتر از آن نیست؛ یعنی می‌تواند از فرشتگان و از موجودات عالی و از همه اینها بالاتر برود. اگر بشر بخواهد این سیر را داشته باشد، جز با استفاده از امکانات عالم ماده ممکن نیست. این هم جزو مسلمات است؛ لذا می‌گوید «خلق لکم ما فی الأرض جمیعاً». بنابراین سیر تعالی و

تکاملی انسان در خلأ نیست؛ با استفاده از استعدادهای ماده است؛ بنابراین با هم سیر می کنند؛ یعنی شکوفایی انسان، همراه با شکوفایی عالم ماده و عالم طبیعت است؛ این در شکوفایی او اثر می گذارد، او در شکوفایی این اثر می گذارد و پیشرفتهای شکفت آور را به وجود می آورد» (آیت الله خامنه ای، ۱۳۷۹/۹/۱۲).

آخرین رکن از ارکان جهان بینی توحیدی از منظر آیت الله خامنه ای، حرکت عمومی عالم به سمت صلاح و غلبه اهل حق بر شرور عالم است. ایشان در توضیح این مطلب چنین بیانی دارند: «از نظر اسلام و بینش اسلامی، جریان عالم به سمت حاکمیت حق و به سمت صلاح است؛ این برو برگرد هم ندارد... همه انبیا و اولیا آمده اند تا انسان را به آن بزرگراه اصلی سوق دهند که وقتی وارد آن شد، بدون هیچ گونه مانعی تمام استعدادهایش می تواند بروز کند. انبیا و اولیا این مردم گم گشته را مرتب از این کوه و کمر و دشتهای و کویرها و جنگلها به سمت این راه اصلی سوق دادند و هدایت کردند. هنوز بشریت به نقطه شروع آن صراط مستقیم نرسیده است؛ آن در زمان ولیعصر ارواحفاده محقق خواهد شد؛ لیکن همه این تلاشها اصلاً بر اساس این بینش است که نهایت این عالم، نهایت غلبه صلاح است؛ ممکن است زودتر بشود، ممکن است دیرتر بشود؛ اما برو برگرد ندارد. قطعاً این طوری است که در نهایت، صلاح بر فساد غلبه خواهد کرد؛ قوای خیر بر قوای شر غلبه می کنند. این هم یک نقطه از نقاط جهان بینی اسلامی است که در آن هیچ گونه تردیدی نیست» (آیت الله خامنه ای، ۱۳۷۹/۹/۱۲).

## ۵-۲- معرفت شناسی اسلامی

آیت الله خامنه ای در مقام یک عالم شیعی مبرز که میراث بر اندیشه های ناب معصومین (ع) است به صورت طبیعی و واضح با انحصار تمدن در گروهی خاص مخالف است. ایشان اسلام را دینی جهانی می دانند و به همین واسطه تمدن نوین اسلامی را نیز تمدنی جهان شمول و آفاقی به حساب می آورند. ایشان در بیانی می فرمایند: «امت اسلامی با یک تلاش مجاهدانه و مجدانه می تواند تمدن اسلامی باب این دوران را طراحی کند، شالوده ریزی کند، به ثمر برساند و آن را در مقابل بشریت قرار بدهد» (آیت الله خامنه ای، ۱۳۹۴/۱۰/۸). ایشان تفکرات غربی ها را تفکراتی مبتنی بر معرفت شناسی مادی و غیرالهی معرفی می کنند و بر غلط بودن هر دستگاه علمی و فکری که بر پایه معرفت مادی و اعتقاد مادی باشد، تاکید دارند. معظم له معتقدند باید با اعتقاد به وجود خدا اعتقاد به قدرت خدا، حضور الهی و ربوبیت الهی به حقایق آفرینش نگاه کرد و بایستی با نگاه معرفت شناسی الهی به حقایق پی برد (آیت الله خامنه ای، ۱۳۹۳/۱/۳۰). لذا معرفت شناسی مورد نظر ایشان از معرفت شناسی های پوزیتیویستی صرف یا تفسیری خاص دور شده و بر محور معرفت شناسی الهی استوار است.



### ۳-۵- انسان شناسی اسلامی

قبل از اینکه به بحث انسان در اندیشه سیاسی آیت الله خامنه ای و تاثیر آن بر تلقی ایشان از جامعه اسلامی پردازیم باید توجه داشت که نگاه آیت الله خامنه ای در پاسخ به این پرسش که نگاه اسلام به «فرد انسان» و «مجموعه انسان ها» چگونه است؟ ایشان به این پرسش به عنوان یک «مطلب معرفتی اسلامی» و نه یک مساله فلسفی، منطقی، اصولی و فقهی و یا جامعه شناختی پاسخ می دهند. (لک زایی، ۱۳۹۵: ۶۵)

نکته مهم این است که در اندیشه آیت الله خامنه ای، بدون آنکه چندان پیرامون پرسش هایی فلسفی نظیر «نسبت فرد و جامعه چیست؟» یا «از میان جامعه و فرد کدامیک اصیل است و کدامیک اعتباری؟» و ... پردازد بیش تر به تشریح دیدگاه اسلام در مورد فرد و جامعه پرداخته است. در تلقی آیت الله خامنه ای، اسلام هم به فرد توجه داشته و هم به جمع. ایشان درباره موضع اسلام راجع به انسان و فرد انسانی، انسان را به سائر و رونده ای تشبیه می کنند که از نقطه ای (خودپرستی) به نقطه ی دیگری (خداپرستی) حرکت می کند: «در نگاه اول که نگاه اسلام به فرد انسانی است، یک فرد مورد خطاب اسلام قرار می گیرد. در اینجا انسان یک رهروی است که در راهی حرکت می کند، که اگر درست حرکت کند، این راه، او را به ساحت جمال و جلال الهی وارد خواهد کرد؛ او را به خدا خواهد رساند؛ «یا ایها الانسان انک کادح الی ربک کدحاً فملاقیه». اگر بخواهیم این راه را تعریف کنیم، در یک جمله ی کوتاه می شود گفت این راه، عبارت است از مسیر خودپرستی تا خداپرستی. انسان از خودپرستی به سمت خداپرستی حرکت کند. مسیر صحیح و صراط مستقیم این است. مسئولیت فرد انسان در این نگاه، این است که این مسیر را طی کند. یکایک ما مخاطب به این خطاب هستیم». (آیت الله خامنه ای، ۱۳۸۶/۲/۲۵)

ایشان بر این باورند که در کنار نگاه اول اسلام به انسان، نگاه دیگری به انسان وجود دارد و به نظر، مفهوم «جامعه اسلامی» از همین جا اهمیت پیدا می کند. معظم له در تبیین این موضوع، وظیفه مهم در این ساحت را مدیریت دنیا می داند. «در زاویه ای دیگر در نگاه کلان، همین انسانی که مخاطب به خطاب فردی است، خلیفه ی خدا در زمین معرفی شده؛ یک وظیفه ی دیگری به او واگذار شده و آن عبارت است از وظیفه ی مدیریت دنیا». (آیت الله خامنه ای، ۱۳۸۶/۲/۲۵)

ناگفته پیداست که مدیریت دنیا، بدون تمهیداتی در زمینه جامعه پردازی، بی معنا و در عمل نیز ناممکن است. اصولاً جامعه ای که انسان در آن زندگی می کند بخش مهمی از زیست دنیایی او را تشکیل می دهد. جامعه اسلامی نیز به همین سیاق، از جمله زمینه هایی است که مدیریت دنیا در بستر آن معنا می یابد و درست در همین زمینه و بستر است که جامعه اسلامی معنای محصل خود را باز می یابد. بسیاری از ارزش های انسانی نظیر عدالت، آزادی، امنیت و سعادت صرفاً از طریق جامعه است که قابلیت تامین و تحقق پیدا می کند. در حقیقت می توان گفت که مدیریت دنیا و تحقق ارزش های اسلامی نظیر عدالت و ... بدون تشکیل جامعه اسلامی و نیز حکومت اسلامی بی معناست.

### ۳-۵- توحید و اندیشه توحیدی

توحید را می توان سنگ بنای جامعه اسلامی دانست. توحید به تعبیر علامه طباطبایی، ناموس قوانین اسلامی و به تعبیر استاد مطهری، سرسلسله تمام معتقدات دینی، ایمان به خداست. (مطهری، ۱۳۹۱: ۱۱) ریشه اصلی درخت دین، اصول اعتقادات آن است و جان مایه اصول اعتقادات، توحید و اندیشه توحیدی است. تقریباً می توان گفت که خاستگاه اصلی اندیشه اجتماعی





آیت الله خامنه ای ( و از جمله برداشت ایشان از جامعه اسلامی)، توحید و اندیشه توحیدی است. ایشان در تعریف توحید بیان می دارند: «توحید، یعنی اعتقاد به این که این ترکیب پیچیده ی بسیار عجیب و شگفت آور و قانونمند کائنات و عالم آفرینش، از کھکشانها و سحابیها و حفره های عظیم آسمانی و کرات بی شمار و میلیونها منظومه ی شمسی بگیری، تا سلول کوچک جزء فلان پیکر، فلان جسم و ترکیب ریز شیمیایی - که آنقدر نظم در این ترکیب عظیم متنوع و پیچیده وجود دارد که هزاران قانون از آن استنباط کرده اند؛ چون وقتی نظم غیر قابل تخلف شد، از آن قوانین تکوینی و بی تخلف استفاده می شود - ساخته و پرداخته ی یک فکر و اندیشه و تدبیر و قدرت است و تصادفاً به وجود نیامده است». (آیت الله خامنه ای، ۱۳۷۹/۹/۱۲)

توحید در اندیشه ایشان، حاوی وجوه سلبی و ایجابی است؛ چنانکه ایشان در تعریفی که از توحید ارائه می دهند، آن را عبارت می دانند از اینکه انسان غیر خدا را عبودیت نکند و در مقابل غیر خدا جبهه بندگی به زمین نساید. (آیت الله خامنه ای، ۱۳۷۳/۱۰/۱۰)

ایشان عبودیت خداوند را در کنار اجتناب از طاغوت می بیند و در واقع معاضدت و همگرایی هر دو وجه سلبی و ایجابی توحید و اندیشه توحیدی هستند. جالب آنکه اجتناب از طاغوت در تلقی ایشان، صرفاً دوری گزیدن از طاغوت و برکشیدن دامن به منظور آلوده نشدن به پلشتی های طاغوت نیست، بلکه «تقابلی» میان خط توحید و خط طاغوت وجود دارد (آیت الله خامنه ای، ۱۳۹۸/۱/۱۴) به عبارتی نوعی مصاف و درگیری میان این دو خط وجود دارد و همین تقابل، ملازمه ای قطعی با ایمان به خدا و اندیشه توحیدی می یابد. وجه سلبی توحید، آنقدر در اندیشه آیت الله خامنه ای پر رنگ است که ایشان، اساساً توحید خالص را معادل نفی عبودیت غیر خدا می دانند. (آیت الله خامنه ای، ۱۳۸۲/۷/۲۲)

ایشان در تعریف دیگری از توحید، به ارتباط آن با جامعه می پردازند: «توحید یعنی حاکمیت ارزشهای الهی بر جامعه و نفی حکومتهای طاغوتی، استبدادی، فاسد و طغیانگر بر ارزشهای انسانی و اصیل». (آیت الله خامنه ای، ۱۳۸۲/۷/۲۲) از این تعریف پیداست که جامعه اسلامی در واقع همان جامعه توحیدی است و شاخصه و علامت اصلی جامعه اسلامی، استقرار و نهادی شدن ارزش های توحیدی و الهی در جامعه است؛ چنانکه این ایمان جمعی، ملازمه ای قطعی و ضروری با اجتناب جمعی از طواغیت و مقابله با آن و ترسیم پرننگ خطوط میان جامعه اسلامی و جامعه طاغوتی، برقرار می کند. از منظر آیت الله خامنه ای، توحید صرفاً یک مساله انتزاعی مجرد فلسفی و نظری نیست، بلکه نوعی شیوه زیست است (آیت الله خامنه ای، ۱۳۸۲/۷/۲۲) که هم شامل زیست جمعی می شود و هم شامل زیست فردی. خصلت انضمامی توحید (در عین ابعاد نظری آن) و نیز وجه جمعی و مدنی آن، خود به روشنی، مبین ارتباط میان جامعه اسلامی و توحید است.

آیت الله خامنه ای بر این باورند که بشر هرچه ناراحتی و رنج و دشواری تحمل می کند، بر اثر دوری از راه خدا و سرکشی در مقابل احکام الهی است (آیت الله خامنه ای، ۱۳۷۷/۱/۱) قبلاً نیز متذکر این نکته شدیم که توحید از نظر ایشان، نوعی شیوه زیست فردی و اجتماعی است. از حاصل جمع این دو گزاره می توان این نکته را فهمید که بشر به هر اندازه از توحید دور شود، گویی از شیوه ی درست زیستن فاصله گرفته است و دچار نوعی کجروی اجتماعی و فردی شده است. این مساله در مورد جوامع اسلامی که ادعای مسلمان بودن و زندگی در زیر لوای پرچم توحید را دارند، اهمیتی مضاعف هم پیدا می کند؛ چه اینکه طی یکی دو قرن اخیر، مسلمانان و جوامع اسلامی به دلیل غفلت از اندیشه توحیدی و تن دادن به حاکمیت استعمار خارجی و استبداد داخلی (به عنوان مصادیق اتم طاغوت)، راه انحراف پیمودند و دچار مصائب عدیده ای شدند. آیت الله

خامنه ای بر این عقیده اند که هر چه امروز از سختیها و بلاها بر سر مسلمانان و ملت‌های مسلمان می‌آید بر اثر گم کردن سررشته‌ی زندگی در زیر سایه‌ی توحید است. (آیت الله خامنه ای، ۱۳۷۷)

## ۶- شاخصه های جامعه اسلامی از منظر مقام معظم رهبری

در اندیشه سیاسی رهبری بر اساس مبانی ارزشی و بینشی، ابتدا جامعه به دو بخش جامعه اسلامی (توحیدی، معنوی، آرمانی) و جامعه جاهلی تقسیم شده است. ایشان معتقدند یکی از رسالت‌های عمومی انبیا ساختن جامعه توحیدی بوده است. جامعه ای مبتنی بر تعبد، ایمان و عمل صالح آحاد ملت. چنین جامعه ای باید در حوزه سیاسی، اقتصادی و اجتماعی و فرهنگی برخوردار از شاخصه های ذیل باشد:

### ۶-۱- حوزه سیاسی

حوزه سیاسی حوزه حکمرانی و حکومت ورزی است. در این حوزه است که پایه های بخش های دیگر اقتصادی و اجتماعی و فرهنگی ریخته شده و جامعه در مسیر صحیح قرار می گیرد. لذا لازم است که در این حوزه آنچه که در صدر قرار می گیرد حفظ انقلاب و دستاوردهای آن باشد تا زمینه گذار از نظام اسلامی به جامعه اسلامی فراهم شود.

### ۶-۱-۱- حفظ و گسترش آرمان‌های امام و انقلاب

فرض مسلم این است که شناخت آرمان های انقلاب اسلامی بدون شناخت اندیشه‌های امام (ره) ممکن نیست. یکی از شاخص های مهم جامعه اسلامی در نظام جمهوری اسلامی ایران حرکت مردم و مسئولان در راستای تحقق اندیشه‌های سیاسی، اقتصادی، فرهنگی، اجتماعی و ... امام راحل (ره) و همچنین آرمان ها، ارزش ها و اصول و اهداف عالی انقلاب اسلامی می‌باشد. در این رابطه رهبر انقلاب در توصیف دولت محمود احمدی نژاد می‌فرماید: «شعار و گفتمان [این] دولت [این] است که منطبق بر شعار و گفتمان امام و منطبق بر شعارها و گفتمان های انقلاب است؛ این خیلی چیز باارزشی است. این را هیچ کس نمی‌تواند ندیده بگیرد. هر دل بسته به انقلاب، این را قدر می‌داند؛ هر کسی که پیشرفت کشور را با هدایت انقلاب و با کارگردانی انقلاب تصور می‌کند، باید این را قدر بداند» (آیت الله خامنه ای، ۲/ ۶/ ۱۳۸۷). یا در جای دیگری می‌فرماید: «خدا را شکر می‌کنیم که مسئولان نظام جمهوری اسلامی از آرمان‌های اسلامی و آنچه به عنوان اهداف والا برای این انقلاب و این مردم تعریف شده است، تخلف نکرده‌اند. این اهداف را همه پذیرفته‌اند و شرط خدمت به این مردم و شرط احراز مسؤولیت‌های اساسی برای این مردم همین است که هر مسؤولی به این اهداف والا و آرمان‌های الهی و اسلامی از بن دندان و از عمق جان معتقد باشد و در راه آن تلاش و مجاهدت کند. جاذبه‌ی نظام اسلامی برای ملت‌های مسلمان در سراسر دنیا در همین نکته‌ی اساسی نهفته بود که اسلام را تضمین‌کننده‌ی سعادت جوامع اسلامی دانست.» (آیت الله خامنه ای، ۱۳۸۴/۲/۱۸)

### ۶-۱-۲- یکپارچگی و وحدت اسلامی

اتحاد و انسجام رکن سیاسی دیگر جامعه اسلامی در دیدگاه مقام معظم رهبری است. ایشان از اولین روزهای مسؤولیت مهم رهبری، این مسئله را در مناسبت‌های متعدد گوشزد فرموده و همواره از خطرها و آسیب‌های احتمالی موجود در این مسئله یاد کرده‌اند. معظم له مسئله وحدت را دارای پیچیدگی خاص خود می‌داند و آن را در صورتی حائز اهمیت می‌داند که اولاً

به از بین رفتن اختلافات منجر شود و ثانیاً حاکمیت اسلامی را در جامعه به همراه داشته باشد. ایشان در خصوص اهمیت مساله وحدت اسلامی می فرمایند: «در مسئله وحدت، دو نقطه یا دو جهت گیری اساسی وجود دارد که هر کدام به تنهایی، حائز اهمیت هستند. وقتی ما شعار وحدت می دهیم، این دو نکته اساسی باید مورد توجه ما باشد و همینها است که برای زندگی عملی مسلمانان، کارساز است: یکی از این دو نکته، عبارت است از رفع اختلافات و تناقضها، درگیرها، تضادها و کارشکنیها که از قرنهای پیش تا امروز، میان طوایف و فرق مسلمانان وجود داشته است و همیشه هم این تناقضها به ضرر مسلمانان تمام شده است... نکته دوم این است که این وحدت باید در خدمت و در جهت حاکمیت اسلام باشد؛ والا پوچ و بی معنی خواهد بود.» (آیت الله خامنه ای، ۱۳۶۹/۷/۱۶).

مقام معظم رهبری، مبانی فلسفی وحدت را این گونه بیان فرموده است: «بنای توحید که مبنای فکری و اعتقادی و اجتماعی و عملی ماست در وحدت است... در جامعه ای که بر مبنای شرک بنا شده باشد، طبقات انسان هم جدا و بیگانه از یکدیگر است. در جامعه توحیدی، که وقتی مبدأ و صاحب هستی و سلطان عالم وجود و حی و قیوم و قاهری که همه حرکات و پدیده های عالم، مرهون اراده و قدرت او می باشد، یکی است، انسانها با یکدیگر خویشاوندند؛ چون به آن خدا وصل اند، به یک جا متصل اند و از یک جا مدد و کمک می گیرند. ولایت هم معنایش همین است. ولایت، یعنی پیوند و ارتباط تنگاتنگ و مستحکم و غیرقابل انفصال و انفکاک. جامعه اسلامی که دارای ولایت است؛ یعنی همه اجزای آن به یکدیگر و به آن محور و مرکز این جامعه، یعنی ولی متصل است. لازمه همین ارتباط و اتصال است که جامعه اسلامی در درون خود یکی است و متحد و متصل به هم است و در بیرون نیز اجزای مساعد با خود را جذب می کند» (آیت الله خامنه ای، ۱۳۶۸/۹/۲۹).

از نظر مقام معظم رهبری یکی از آسیبهای جدی جوامع اسلامی در شرایط فعلی، اختلافهای مذهبی است. ایشان در این باره می فرمایند: «حقاً وضع مسلمانان از لحاظ تضادها و اختلافات مذهبی، تأسف انگیز است. بسیاری از تواناییهای علمی و فکری مسلمانان در طول تاریخ، صرف تعارض با یکدیگر شده است... تا آن جایی که من یادم می آید، درگیرها و تعارضات و جنگهای مذهبی بین مسلمانان، به وسیله قدرتمندان هدایت شده است. از زمان بنی عباس تا زمانهای بعد، همواره دستهایی، طرف داران عقاید مختلف اسلامی را به جان هم انداختند. اگر این دستها نبود، آنها با هم سالها در صلح و آرامش زندگی می کردند و هیچ مشکلی نداشتند. در زمان حاضر، برای اینکه مسلمانان با هم متحد و متفق نباشند و علیه هم کار کنند، تلاشهای مضاعفی انجام می گیرد. این تلاشها به خصوص در وقتی تشدید پیدا کرده که نیاز مسلمانان به وحدت، بیش از همیشه است» (آیت الله خامنه ای، ۱۳۷۰/۷/۱).

### ۶-۱-۳- هویت و استقلال ملی

حفظ عزت، هویت و استقلال ملی که برای آن خونهای بسیاری ریخته شده است یکی دیگر از شاخصه های بسیار مهمی است که یک جامعه اسلامی باید آن را داشته باشد. چرا که از نظر رهبر انقلاب یکی از ابزارهای عمده بازیگران سیاسی در عرصه بین المللی، مکر و تهدید برای از بین بردن هویت و عزت و استقلال ملی است. ایشان در این باره می فرمایند: «هویت برای یک ملت خیلی مهم است عزیزان من؛ ملتی که هویت خودش را گم کرده باشد، خیلی راحت در مشت بیگانگان آب می شود و از بین می رود.» (آیت الله خامنه ای، ۱۳۹۸/۲/۳۰)



معظم له در توصیه به اساتید دانشگاه، تخبگان و پژوهشگران می فرمایند: «جوان را با هویت بار بیاورید. اگر جامعه‌ای احساس هویت نکرد، صداها بلند تحکم‌آمیز، راحت او را مغلوب خواهد کرد. آن که ایستادگی می کند، آن کسی است که احساس هویت می کند؛ حالا این هویت، گاهی هویت ملی است، گاهی هویت دینی است، گاهی هویت انسانی است، شرف است؛ هر چه؛ با هویت باید بار بیایند.» (آیت الله خامنه ای، ۱۳۹۷/۳/۲۰) در نگاه رهبر معظم انقلاب جامعه ای اسلامی خواهد بود که در ان علاوه بر اینکه جوانان آن از غرب زدگی مبرا باشند روحیه مبارزه با غرب و قدرت های سلطه طلب را نیز در خود تقویت کرده باشند. ایشان در دیدار دانشجویان و دانش آموزان فرمودند: «مبارزه‌ی با استکبار در انقلاب اسلامی و در میان ملت ما یک حرکت معقول و منطقی و دارای پشتوانه‌ی علمی، و یک حرکت خردمندانه است» (آیت الله خامنه ای، ۱۳۹۴/۸/۱۶) «امروز نبرد جمهوری اسلامی با استکبار - که با انقلاب آغاز شد و همچنان با قوت ادامه دارد- همان نبرد پیغمبران با طواغیت زمان، با شیاطین انس و جن است. ما دنبال آرمانهای بلند هستیم؛ دنبال تشکیل جامعه‌ی اسلامی، نظام اسلامی، کشور اسلامی، امت اسلامی و تحقق بخشیدن به آرزوهای بزرگ پیامبران و صدیقان و شهیدان [هستیم]؛ و دستگاه‌های شیطانی زمان یک جبهه‌اند و طبعاً با یک‌چنین حرکتی مخالفند. [بنابراین] کارشکنی می کنند، اذیت می کنند، تهدید می کنند.» (آیت الله خامنه ای، ۱۳۹۳/۴/۱۶)

## ۲-۶- حوزه اقتصادی

اگرچه اقتصاد در اسلام هدف نیست اما وسیله ای برای تعالی جایگاه انسان محسوب می شود. جایگاه اقتصاد در جامعه اسلامی مورد نظر مقام مظم رهبری به قدری رفیع است که ایشان در بیانیه گام دوم انقلاب درخصوص آن فرمودند: «اقتصاد یک نقطه‌ی کلیدی تعیین کننده است. اقتصاد قوی، نقطه‌ی قوت و عامل مهم سلطه‌نابذیری و نفوذناپذیری کشور است و اقتصاد ضعیف، نقطه‌ی ضعف و زمینه ساز نفوذ و سلطه و دخالت دشمنان است. فقر و غنا در مادیات و معنویات بشر، اثر می گذارد. اقتصاد البته هدف جامعه‌ی اسلامی نیست، اما وسیله‌ای است که بدون آن نمیتوان به هدف‌ها رسید.» (آیت الله خامنه ای، ۱۳۹۷/۱۱/۲۲) از مجموع صحبت‌ها و سخنرانی‌های رهبری می توان اینگونه استنباط کرد که ایشان در بعد اقتصادی بر دو مساله اقتصاد پویا و عدالت محور متمرکز هستند.

## ۲-۶-۱- برخورداری از اقتصاد پویا

استقلال اقتصادی همانند استقلال فکری، فرهنگی، سیاسی و اجتماعی از عناصر محوری جامعه اسلامی است. آنچه که رهبری به عنوان نیاز اقتصاد امروز ایران احساس می کنند اقتصاد بدون نفت با الگوی اقتصاد مقاومتی است. «دولتی بودن بخش‌هایی از اقتصاد که در حیطه‌ی وظایف دولت نیست، نگاه به خارج و نه به توان و ظرفیت داخلی، استفاده‌ی اندک از ظرفیت نیروی انسانی کشور، بودجه‌بندی معیوب و نامتوازن، و سرانجام عدم ثبات سیاست‌های اجرائی اقتصاد و عدم رعایت اولویتها و وجود هزینه‌های زائد و حتی مسرفانه در بخش‌هایی از دستگاه‌های حکومتی» از جمله مشکلات اقتصاد کنونی کشور است که برای رهایی از آن لازم است به «درون‌زایی اقتصاد کشور، موکد شدن و دانش‌بنیان شدن آن، مردمی کردن اقتصاد و تصدیگری نکردن دولت و برون‌گرایی» روی آورد. (آیت الله خامنه ای، ۱۳۹۷/۱۱/۲۲)

برای رسیدن به چنین اقتصادی شرط لازم مبارزه با فساد است. به فرموده رهبری عدالت و مبارزه با فساد لازم و ملزوم





یکدیگرند. «همه باید از شیطان حرص برحذر باشند و از لقمه‌ی حرام بگریزند و از خداوند در این باره کمک بخواهند و دستگاه‌های نظارتی و دولتی باید با قاطعیت و حساسیت، از تشکیل نطفه‌ی فساد پیشگیری و با رشد آن مبارزه کنند. این مبارزه نیازمند انسان‌هایی با ایمان و جهادگر، و منبع الطبع با دستانی پاک و دل‌هایی نورانی است. این مبارزه بخش اثرگذاری است از تلاش همه‌جانبه‌ای که نظام جمهوری اسلامی باید در راه استقرار عدالت به کار برد.» (آیت الله خامنه‌ای، ۱۱/۲۲/۱۳۹۷)

### ۶-۲-۲- عدالت گسری

در دیدگاه آیت‌الله خامنه‌ای توجه به عدالت در مفهوم‌پردازی تمدن اسلامی بسیار جدی است و تمدن اسلامی بدون عدالت، نمی‌تواند معنا شود. در این نگاه جامعه در تمدن اسلامی با عدالت هویت می‌یابد: «در جامعه باید عدالت اجتماعی باشد. عدالت به معنای یکسان‌بودن همه برخوردارها نیست؛ به معنای یکسان‌بودن فرصت‌هاست؛ یکسان‌بودن حقوق است. همه باید بتوانند از فرصت‌های حرکت و پیشرفت بهره‌مند شوند. باید سرینجه عدالت گریبان ستمگران و متجاوزان از حدود را بگیرد و مردم به این، اطمینان پیدا کنند (آیت الله خامنه‌ای، ۱۳۸۵/۰۸/۲۰). ایشان در باب مفهوم عدالت اجتماعی معتقدند «نظر و نگاه دستگاه قدرت و حکومت باید نسبت به آحاد مردم در برابر قانون امتیازات و برخوردها و رفتارها یکسان باشد و آحاد مردم از امتیازات و خیرات اسلامی به صورت عادلانه بهره‌مند شوند و هیچ کس بدون دلیل امتیاز ویژه‌ای نداشته باشد.» (آیت الله خامنه‌ای، ۱۳۷۵/۹/۵) اندیشه‌های آیت‌الله خامنه‌ای در قلمرو عدالت از این امتیاز برخوردار است که به مباحث نظری بسنده نکرده و به نکات ظریفی در قلمرو استقرار عملی عدالت در عینیت جامعه اسلامی نیز توجه کرده است. ایشان در جایی دیگر با استناد به آیه قران کریم، هدف نظام اسلامی را قسط دانسته و می‌فرمایند: «اساس جامعه در نظام جمهوری اسلامی ليقوم الناس بالقسط است. هدف عدالت و قسط اجتماعی است. جامعه زمانی به صلاح، آبادانی و عمران و نجات حقیقی خواهد رسید که این تامین شود.» (آیت الله خامنه‌ای، ۱۳۷۴/۹/۲۹)

نکته مهم در هدف‌گذاری تمدنی بر محور عدالت این است که دیگر اهداف تمدنی نیز باید با عدالت همخوانی داشته باشند. ایشان بر این مطلب اصرار دارند که «ما رونق اقتصادی کشور را بدون تأمین عدالت اجتماعی به هیچ وجه قبول نداریم و معتقد به آن نیستیم» (آیت الله خامنه‌ای، ۱۳۹۲/۱۲/۲۰). لذا در منظومه فکری رهبری حتی اگر کشوری در علم و فناوری و جلوه‌های گوناگون تمدن مادی پیشرفت کند، اما عدالت اجتماعی در آن نباشد، این با منطق اسلام، پیشرفت محسوب نمی‌شود. «امروز در بسیاری از کشورها علم پیشرفت کرده است، صنعت پیشرفت کرده است، شیوه‌های گوناگون زندگی پیشرفت کرده است، اما فاصله طبقاتی عمیقتر و شکاف طبقاتی بیشتر شده است؛ این پیشرفت نیست؛ این پیشرفت سطحی و ظاهری و بادکنکی است» (آیت الله خامنه‌ای، ۱۳۹۱/۷/۱۲). لذا نمی‌توان از جامعه اسلامی سخن گفت اما عدالت اسلامی در آن وجود نداشته باشد.

### ۶-۳- حوزه اجتماعی - فرهنگی

آنچه که بیش از همه تمایز جامعه اسلامی را از جوامع غربی در دو بعد فردی و اجتماعی به نمایش می‌گذارد حوزه اجتماعی - فرهنگی است. لذا رهبری در توصیف جامعه اسلامی بیش از هر چیز بر بعد سلامت اعتقادی، اخلاق مداری و پرهیز از سطحی‌نگری تأکید دارند.





### ۶-۳-۱- سلامت اعتقادی

آنچه که به فرموده رهبر انقلاب باعث گردید ملت ایران در برای «آن همه خصومت و شقاوت و توطئه و خبائث» ایستادگی کند «قدرت عظیم ایمان و انگیزه این ملت و رهبری آسمانی و تایید شده امام عظیم الشان» بود. لذا اگر قرار باشد جامعه اسلامی برقرار گردد نخستین گام تقویت قدرت ایمان و انگیزه در میان نیروهای خود و دومین گام پاسداشت و مراقبت از جامعه در برابر این خطرات خواهد بود. برای رسیدن به این موقعیت ضمن داشتن هوشیاری و بصیرت، برنامه ریزی و آموزش مداوم امری لازم و ضروری است. لازم است که سرمایه معنوی و اخلاقی جامعه که به فرموده رهبر انقلاب یکی از دستاوردهای چهل ساله نظام است حفظ شده و جلوی رواج «بی بند و باری و فساد»، «آلودگی های اخلاقی» و «لجنزارهای فساد» سد گردد. «فساد اقتصادی و اخلاقی و سیاسی، توده‌ی چرکین کشورها و نظام‌ها [است] و اگر در بدنه‌ی حکومت‌ها عارض شود، زلزله‌ی ویرانگر و ضربه‌زننده به مشروعیت آن‌ها است؛ و این برای نظامی، چون جمهوری اسلامی که نیازمند مشروعیتی فراتر از مشروعیت های مرسوم و مبنائی تر از مقبولیت اجتماعی است، بسیار جدی‌تر و بنیانی‌تر از دیگر نظام‌ها است. وسوسه‌ی مال و مقام و ریاست، حتی در علوی‌ترین حکومت تاریخ یعنی حکومت خود حضرت امیر المؤمنین (علیه السلام) کسانی را لغزاند، پس خطر بروز این تهدید در جمهوری اسلامی هم که روزی مدیران و مسئولانش مسابقه‌ی زهد انقلابی و ساده زیستی می دادند، هرگز بعید نبوده و نیست؛ و این ایجاب می کند که دستگاهی کارآمد با نگاهی تیزبین و رفتاری قاطع در قوای سه گانه حضور دائم داشته باشد و به معنای واقعی با فساد مبارزه کند، بویژه در درون دستگاه‌های حکومتی.» (بیانیه گام دوم انقلاب، ۱۳۹۷: ۱۱) رهبر انقلاب در خصوص این آسیب در جای دیگری از بیانیه گام دوم انقلاب می فرماید: «ابزارهای رسانه‌ای پیشرفته و فراگیر، امکان بسیار خطرناکی در اختیار کانون‌های ضد معنویت و ضد اخلاق نهاده است و هم‌اکنون تهاجم روزافزون دشمنان به دل‌های پاک جوانان و نوجوانان و حتی نونهالان با بهره‌گیری از این ابزارها را به چشم خود می‌بینیم. دستگاه‌های مسئول حکومتی در این باره وظایفی سنگین بر عهده دارند که باید هوشمندانه و کاملاً مسئولانه صورت گیرد؛ و این البته به معنی رفع مسئولیت از اشخاص و نهادهای غیرحکومتی نیست. در دوره‌ی پیش رو باید در این باره‌ها برنامه‌های کوتاه مدّت و میان مدّت جامعی تنظیم و اجرا شود.» (بیانیه گام دوم انقلاب، ۱۳۹۷: ۱۰)

### ۶-۳-۲- پرهیز از سطحی نگری

جامعه اسلامی تنها به شکل و ظاهر خود اسلامی نخواهد بود بلکه اسلامی بودن آن در گرو اجرای احکام اسلام در آن است. جامعه ای است که شهروندان و دولت خود را مبادی اداب اسلامی دانسته و بر رعایت احکام الهی پافشاری کنند. در حال حاضر بسیاری از دولت ها را می توان در جهان سراغ گرفت که پیشوند یا پسوند اسلامی را در عنوان حکومت خود دارند اما نشانی از اسلام در آنها دیده نمی شود. به اعتقاد رهبری «اصل قضیه، درست کردن سبک زندگی است، رفتار اجتماعی است، اخلاق عمومی است، فرهنگ زندگی است. باید در این بخشها پیش برویم؛ باید تلاش کنیم. تمدن نوین اسلامی که ما مدعی‌اش هستیم و دنبالش هستیم و انقلاب اسلامی می‌خواهد آن را به وجود بیاورد، بدون این بخش تحقق پیدا نخواهد کرد» (آیت الله خامنه‌ای، ۱۳۹۱/۷/۲۶). ایشان، مسایلی مانند اخلاق حرفه‌ای، کار جمعی، رعایت حقوق اجتماعی، صداقت، پرهیز از پرخاشگری، وجدان کاری، قانونگرایی، انضباط اجتماعی، نشاط اجتماعی، کرامت اجتماعی زن و همچنین حوزه‌هایی از قبیل حوزه مصرف، حوزه اوقات زندگی، حوزه پوشش و حوزه تعاملات اجتماعی را از مهمترین



شاخص‌های اصلاح سبک زندگی برشمرند که می‌توان با آسیب شناسی و یافتن شیوه‌های آن به پیشرفت در این حوزه‌ها نیز امید داشت.

معظم له تحجر، سطحی‌نگری و ظاهرگرایی را از جمله عوامل سکولاریسم پنهان دانسته و پرهیز از سطحی‌نگری و مواردی از این دست را از الزامات تدوین تمدن سازی اسلامی در جامعه اسلامی برمی‌شمرد «گاهی اوقات در ظاهر، تبلیغات، تبلیغات دینی است؛ حرف، حرف دینی است؛ شعار، شعار دینی است؛ اما در باطن، سکولاریسم است؛ جدائی دین از زندگی است؛ آنچه که بر زبان جاری می‌شود، در برنامه ریزی‌ها و در عمل دخالتی ندارد. ادعا می‌کنیم، حرف می‌زنیم، شعار می‌دهیم و وقت عمل یارای کار نداریم.» (آیت الله خامنه‌ای، ۱۳۹۱/۷/۲۳)

### ۶-۳-۳- اخلاق مداری

جامعه اسلامی اساس تصمیمات جامعه دینی را بر پایه نهادینه‌سازی اخلاق اسلامی مطابق با نیازهای توسعه در جامعه دینی، تقویت اصول و هنجارهای جهانشمول و ارتقای جایگاه اخلاق و معنویت‌گرایی قرار می‌دهد و برای برقراری نظام جهانی نیز خواستار تکامل روحی و معنوی با تکیه بر دستاوردهای اخلاقی نظام اعتقادی اسلام است. پرهیز از بی‌حرمتی به معتقدات پیروان دیگر ادیان الهی، حل و فصل مسالمت‌آمیز اختلافات از طریق گفتگوی منطقی و اخلاقی با تکیه بر روحیه برادری و حقیقت‌جویی، اجتناب از هرگونه هیاوو و ایجاد رعب و وحشت، احترام به حقوق و کرامت بشری، اهتمام به همکاری و همیاری و روامداری و تقوایی‌نگری و توصیه به حق و صبر و دوری از تفرقه و کشمکش می‌تواند آینده‌ای امیدبخش را بر اساس شیوه‌های اخلاقی نوید بخشد. به علاوه، تبیین جهانشمولی ارزشهای معنوی اسلام می‌تواند فرصتی جدید برای ارائه چشم‌اندازی اخلاقی به جامعه جهانی از سوی تمدن نوین اسلامی به شمار آید (شاو و صدیقی، ۱۳۵۱: ۴۵).

رهبر فرزانه انقلاب علت اصلی مشکلات بشری را غفلت از امور معنوی و ارزشهای اخلاقی می‌داند و می‌فرماید: «امروز علت اصلی بسیاری از مشکلات بشری در نظامهای مختلف، ناشی از غفلت از معنویت و گرایش به سوی مادیگری و مادی پرستی است. بحران اخلاقی معاصر نابودی بشریت را به همراه خواهد داشت و باید اندیشمندان جهان و دلسوزان بشریت برای احیای ارزشهای اخلاقی قیام جدی نمایند.» (به نقل از بانکی پور و قماشچی، ۱۳۸۰: ۱۴۰)

توصیه‌های اخلاقی مقام معظم رهبری را می‌توان در سه مقوله اصلی طبقه بندی کرد. آن دسته از توصیه‌هایی که ناظر به مقام و شأن فردی یک کارگزار است و بایستی در ارتباط با خودش رعایت کند، به عنوان مثال «استمرار ارتباط با خداوند»، اخلاق فردی نام‌گذاری شده است. همچنین آن دسته از توصیه‌ها و رهنمودهایی که در ارتباط با جامعه و مردم بیان شده اند، از قبیل کسب رضایت مردم، در اخلاق اجتماعی جای گرفته اند. در نهایت آن دسته از توصیه‌هایی که درباره نحوه ی تعامل با سایرین و زیردستان و در ارتباط با نحوه ی انجام کار مطرح شده است، اخلاق اداری نام‌گذاری شده اند. رعایت اخلاق فردی طبیعتاً در رعایت اخلاق اجتماعی و اخلاق اداری نقش اساسی ایفا می‌نماید. در نهایت، هدف از رعایت این بایسته‌های اخلاقی و پرهیزها در حقیقت خدمت‌گزاری به مردم در جهت کسب رضایت الهی است (خان محمدی و کشاورزبان، ۱۳۹۸: ۱).

اهمیت اخلاق در جامعه اسلامی به اندازه ای است که رهبر معظم انقلاب آن را حتی بالاتر از «عمل» می‌داند (آیت الله خامنه‌ای، ۱۳۸۸/۶/۲۹) و می‌فرماید: «جامعه بدون برخورداری افراد از خلیات نیکو، نمی‌تواند به هدفهای والای بعثت



پیامبر دست پیدا کند.» (آیت الله خامنه ای، ۱۳۸۵/۱/۶)

## نتیجه گیری و پیشنهادها

آیت الله خامنه ای به عنوان یک متفکر مسلمان، نگاه خاصی به مفهومی به نام جامعه اسلامی دارد؛ این نگاه بیش از همه تحت تاثیر انگاره های اسلامی است. فهم این انگاره ها در تلقی آیت الله خامنه ای و برداشت ایشان از مهم ترین عناصر و مولفه های بنیادین اسلامی، در کشف فهم ایشان از مفهوم جامعه اسلامی بسیار کارگشا است؛ چه اینکه این مولفه های بنیادین به طور طبیعی امتدادی در حوزه حکمت عملی و از جمله مفهوم جامعه و یا جامعه اسلامی دارد. مدعای نوشتار حاضر این است که کشف جایگاه جامعه اسلامی در منظومه فکری آیت الله خامنه ای، مستلزم کشف و فهم عناصر بنیادین اندیشه ایشان است. از این رو نوشتار حاضر بر مبنای چهار مولفه بنیادین اندیشه ایشان یعنی توحید، ولایت، هستی شناسی و انسان شناسی است. از مجموع مباحث بنیادین آیت الله خامنه ای در مباحث یاد شده، این نکته به دست آمد که ایشان اولاً به دلیل آنکه متفکری است که ذیل عالم اسلامی به طرح مباحث و ایده های خود می پردازد، تاثیر این عالم بر فهم ایشان از مفهوم جامعه اسلامی کاملاً تعیین کننده است. به عنوان مثال نوع نگاه و تلقی خاصی که ایشان از توحید دارد (که با دو مولفه نفی طاغوت و عبودیت الله تعریف می شود)، جهت گیری های خاصی به جامعه اسلامی می بخشد؛ چه اینکه از این منظر جامعه استعمارزده و جامعه ای که تحت لوای استبداد و هرگونه نظم سلطانی است، به دلیل آنکه تن به حاکمیت طاغوت داده، از دایره تعریف جامعه اسلامی بیرون است. حتی با این تلقی از توحید، جوامعی که تن به دمکراسی سکولار غربی داده اند نیز در زمره جوامع غیر اسلامی و مبتنی بر طواغیت به سر می برند. یا به عنوان مثال تلقی خاص آیت الله خامنه ای از انسان به عنوان یک موجود سائر و در حال حرکت است که از مبدا خاصی (خود پرستی) به سوی مقصد خاصی (خداپرستی) در حال حرکت است. جامعه اسلامی با این تلقی، جمع میان انسان هایی است که در حال سلوک جمعی به سمت توحید و خدا پرستی اند، بی آنکه از شئون گوناگون مدیریت دنیای خود و نیز از همه آرمان هایی که سهم مهمی در جامعه پردازی و نظام سازی دارد نظیر عدالت و ...، غافل بمانند. لذا تاثیر چنان انسان شناسی در تلقی ایشان از جامعه اسلامی کاملاً مشخص است. بر پایه ی این تلقی، جوامع صرفاً مادی که از نیازهای معنوی و دینی غفلت می ورزند و حتی جوامعی که تامین منافع مادی اعضای جامعه را دست کم می گیرند، هر دو با جامعه اسلامی زاویه دارند. جامعه اسلامی در تلقی آیت الله خامنه ای، به تعبیر صدرالمতالهین هم زمان، متولی «نظام معاش» و «نجات معاد» است.



## منابع فارسی

۱. ابوعلی احمدین محمدبن یعقوب رازی، (۱۳۹۷)، پیرایه جان: ترجمه تهذیب الاخلاق و تطهیر الاعراق، ترجمه حسین قدمی، قم: ایت اشراق.
۲. افتخاری، اصغر (۱۳۹۲)، «مفهوم سیاست در مکتب رضوی»، فصلنامه فرهنگ رضوی، دوره ۱، شماره ۳، صص ۷-۲۷.
۳. ابونصر، محمد فارابی (۱۳۸۲)، فصول منتزعه، تهران: انتشارات سروش.
۴. اشرفی، اکبر؛ علیزاده سیلاب، قدسی (۱۳۹۵)، «ولایت مطلقه فقیه در اندیشه سیاسی آیت الله خامنه ای»، پژوهشنامه انقلاب اسلامی، سال ششم، شماره ۴، صص ۲۳-۵۰.
۵. آیت الله خامنه ای، سید علی (۱۳۷۳/۱۰/۱۰)، بیانات در دیدار با مسئولان و کارگزاران نظام به مناسبت عید سعید مبعث، قابل دسترس در:  
<http://farsi.khamenei.ir/newspart-index?tid=1345>
۶. آیت الله خامنه ای، سید علی (۱۳۹۸/۱/۱۴)، بیانات در دیدار مسئولان و سفرای کشورهای اسلامی، قابل دسترس در:  
<http://farsi.khamenei.ir/newspart-index?tid=1345&npt=7>
۷. آیت الله خامنه ای، سید علی (۱۳۸۲/۷/۲۲)، بیانات در دیدار دانشجویان زنجان، قابل دسترس در: [http://farsi.khamenei.ir/speech-](http://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=3199)  
[http://farsi.khamenei.ir/speech-](http://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=3199)
۸. آیت الله خامنه ای، سید علی (۱۳۷۷/۱/۱)، پیام به مناسبت حلول سال نو، قابل دسترس در: [http://farsi.khamenei.ir/newspart-](http://farsi.khamenei.ir/newspart-index?id=2878)  
[http://farsi.khamenei.ir/newspart-](http://farsi.khamenei.ir/newspart-index?id=2878)
۹. آیت الله خامنه ای، سید علی (۱۳۷۰/۴/۱۰)، بیانات در دیدار با مسئولان و کارگزاران نظام ، قابل دسترس در:  
<http://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=2469>
۱۰. آیت الله خامنه ای، سید علی (۱۳۷۹/۹/۱۲)، بیانات در دیدار با مسئولان و کارگزاران نظام، قابل دسترس در:  
<http://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=17086>
۱۱. آیت الله خامنه ای، سید علی (۱۳۶۹/۷/۱۶)، در دیدار با مسئولان و کارگزاران نظام، عید غدیر، قابل دسترس در:  
<http://farsi.khamenei.ir/newspart-index?id=3199>
۱۲. آیت الله خامنه ای، سید علی (۱۳۸۶/۲/۲۵)، بیانات در دیدار دانشجویان دانشگاه فردوسی مشهد، قابل دسترس در:  
<http://farsi.khamenei.ir/newspart-index?tid=2114&npt=7>
۱۳. آیت الله خامنه ای، سید علی (۱۳۹۳/۱/۳۰)، بیانات در دیدار جمعی از بانوان برگزیده کشور، قابل دسترس در وب سایت:  
<http://farsi.khamenei.ir/newspart>
۱۴. آیت الله خامنه ای، سید علی (۱۳۹۴/۱۰/۸)، بیانات در دیدار مسوولان نظام و میهمانان کنفرانس وحدت اسلامی، قابل دسترس:  
<http://farsi.khamenei.ir/newspart-index?tid=2634&>
۱۵. آیت الله خامنه ای، سید علی (۱۳۶۹/۷/۱۶)، بیانات در دیدار مسوولان کشوری و لشکری و میهمانان شرکت کننده در کنفرانس وحدت اسلامی، قابل دسترس: <http://farsi.khamenei.ir/newspart-print?>
۱۶. آیت الله خامنه ای، سید علی (۱۳۶۸/۹/۲۹)، «جذب اجزای مساعد و دفع دشمنان لازمه جامعه اسلامی ولایی»، بیانات در دیدار جمعی از دانشجویان و طلاب، قابل دسترس در: <http://farsi.khamenei.ir/newspart-index?id>
۱۷. آیت الله خامنه ای، سید علی (۱۳۷۰/۷/۱)، «وحدت شیعه و سنی»، بیانات در دیدار اعضای شورای عالی مجمع تقریب مذاهب اسلامی، قابل دسترس در: <http://farsi.khamenei.ir/newspart-print?tid=14195>
۱۸. آیت الله خامنه ای، سید علی (۱۳۸۵/۸/۲۰)، «عدالت و پیشرفت»، بیانات در دیدار مردم شاهرود، قابل دسترس در:  
<http://farsi.khamenei.ir/newspart-index?id=3366&nt>
۱۹. آیت الله خامنه ای، سید علی (۱۳۹۲/۱۲/۲۰)، «عدالت اجتماعی»، بیانات در جلسه تبیین سیاست های اقتصاد مقاومتی، قابل دسترس در: <http://farsi.khamenei.ir/newspart-index?id=25795&>
۲۰. آیت الله خامنه ای، سید علی (۱۳۷۵/۹/۵)، دیدار اقشار مختلف مردم و مسوولان و کارگزاران دستگاه ها، قابل دسترس در:  
<https://www.leader.ir/fa/content/1357/>





۲۱. آیت الله خامنه ای، سید علی (۱۳۷۴/۹/۲۹)، «برپایی عدالت اجتماعی اساس جامعه نظام جمهوری اسلامی»، بیانات در دیدار کارگزاران نظام، قابل دسترس: <http://farsi.khamenei.ir/newspart-index?sid=57>
۲۲. آیت الله خامنه ای، سید علی (۱۳۹۱/۷/۱۲)، بیانات در اجتماع مردم اسفراين، قابل دسترس در: <https://www.leader.ir/fa/speech/9975>
۲۳. آیت الله خامنه ای، سید علی (۱۳۹۱/۷/۲۳)، بیانات در دیدار جوانان استان خراسان شمالی، قابل دسترس در: <https://www.leader.ir/fa/speech/9985>
۲۴. آیت الله خامنه ای، سید علی (۱۳۹۱/۷/۲۶)، «سبک زندگی»، قابل دسترس در: <http://farsi.khamenei.ir/audio-content?id=21344>
۲۵. آیت الله خامنه ای، سید علی (۱۳۸۵/۱/۶)، «جامعه، اخلاق اسلامی، بعثت پیامبر اسلام»، بیانات در دیدار بسیجیان، قابل دسترس در: <http://farsi.khamenei.ir/newspart-index?tid=3029>
۲۶. آیت الله خامنه ای، سید علی (۱۳۸۸/۶/۲۹)، «آراستگی به فضائل اخلاقی»، خطبه های نماز عید سعید فطر، قابل دسترس در: <http://farsi.khamenei.ir/newspart-index?tid=3029>
۲۷. آیت الله خامنه ای، سید علی (۱۳۸۷/۶/۲)، «جنبش عدالتخواهی»، بیانات در دیدار رئیس جمهوری و اعضای هیات دولت، قابل دسترس در: <http://farsi.khamenei.ir/newspart-index?tid=1668>
۲۸. آیت الله خامنه ای، سید علی (۱۳۸۴/۲/۱۸)، بیانات در دیدار مردم شهرستان رفسنجان، قابل دسترس در: <http://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=3288>
۲۹. آیت الله خامنه ای، سید علی (۱۳۹۸/۲/۳۰)، «هویت ملی»، بیانات در دیدار جمعی از شاعران و اهالی فرهنگ و ادب، قابل دسترس در: <http://farsi.khamenei.ir/newspart-index?tid=1679>
۳۰. آیت الله خامنه ای، سید علی (۱۳۹۳/۴/۱۶)، بیانات در دیدار مسئولان نظام، قابل دسترس در: <http://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=31307>
۳۱. آیت الله خامنه ای، سید علی (۱۳۹۴/۸/۱۶)، «چرا با آمریکا دشمن هستیم»، قابل دسترس در: <http://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=31307>
۳۲. آیت الله خامنه ای، سید علی (۱۳۹۷/۱۱/۲۲)، بیانیه گام دوم انقلاب، قابل دسترس در: <http://farsi.khamenei.ir/message-content?id=41673>
۳۳. باقری دولت آبادی، علی؛ شفیعی، محسن (۱۳۹۳)، از هاشمی تا روحانی: بررسی سیاست خارجی ایران در پرتو نظریه سازه انگاری، تهران: تیسرا.
۳۴. بانکی پور، امیرحسین قماشچی، احمد (۱۳۸۰)، تعلیم و تربیت از دیدگاه مقام معظم رهبری، تهران: تربیت اسلامی.
۳۵. جاویدی، رقیه؛ بهروزی لک، غلامرضا (۱۳۹۵)، «شاخص های نظام سیاسی مطلوب از دیدگاه امام خمینی (ره) و آیت الله خامنه ای»، فصلنامه سیاست متعالیه، شماره ۱۳، صص ۸۳-۱۰۲.
۳۶. خسروپناه و همکاران (۱۳۹۶)، منظومه فکری حضرت آیت الله خامنه ای، تهران: انتشارات پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی.
۳۷. خان محمدی، هادی؛ کشاورزبان، محمد مهدی (۱۳۹۸)، «اخلاق کارگزاران از منظر مقام معظم رهبری»، مرکز الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت، قابل دسترس در: <http://www.olgou.org/publication>
۳۸. شاو، برنارد جورج؛ صدیقی، عبدالعظیم (۱۳۵۱)، اسلام، دین آینده جهان، ترجمه هادی خسروشاهی، قم: انتشارات نسل جوان.
۳۹. شمس، منصور (۱۳۸۷)، آشنایی با معرفت شناسی، تهران: نشر طرح نو.
۴۰. عینی زاده، محمد؛ مودب، سید رضا (۱۳۹۶)، «نظام سازی در نگاه تفسیری آیت الله خامنه ای (مدظله)»، مطالعات قرآن و حدیث، شماره ۲۱، صص ۱۵۳-۱۷۵.
۴۱. لک زایی، شریف و لک زایی، رضا (۱۳۹۵)، «انسان و جامعه در اندیشه سیاسی آیت الله خامنه ای»، فصلنامه سیاست متعالیه، سال چهارم، شماره پانزدهم، صص ۶۳-۸۱.
۴۲. لک زایی، نجف؛ جاویدی، رقیه (۱۳۹۷)، «نظریه دولت در اندیشه سیاسی آیت الله خامنه ای»، فصلنامه علوم سیاسی، شماره ۸۱، صص ۱۴۵-





۱۶۶

۴۳. مطهری، مرتضی (۱۳۹۱)، توحید، تهران: انتشارات صدرا.
۴۴. صادقی فسائی، سهیلا؛ ناصری راد، محسن (۱۳۹۰)، «عناصر بنیادین پژوهش کیفی در علوم اجتماعی: هستی شناسی، معرفت شناسی، روش شناسی و روش»، مجله مطالعات علوم اجتماعی ایران، دوره پنجم، شماره ۲، صص ۷۸-۹۸.
۴۵. معینی پور، مسعود؛ عبدالله نسب، محمدرضا (۱۳۹۵)، «رابطه ی ولایت و جمهوریت در اندیشه ی سیاسی آیت الله خامنه ای»، فصلنامه سیاست متعالیه، شماره ۱۵، صص ۸۳-۱۰۰.
۴۶. مهاجرنیا، محسن (۱۳۸۶)، اندیشه سیاسی فارابی، تهران: بوستان کتاب.
۴۷. نوری، عباس (۱۳۹۷)، «ماهیت دولت اسلامی در اندیشه سیاسی آیت الله خامنه ای»، فصلنامه حکومت اسلامی، شماره ۹۰، صص ۱۳۵-۱۶۴.
۴۸. شفیعی، احمد؛ نیک بین، عبدالعزیز (۱۳۹۴)، «مؤلفه های کارآمدی نظام دینی در اندیشه مقام معظم رهبری»، جستارهای سیاسی معاصر، دوره ۶، شماره ۱۵، صص ۷۵-۹۷.
۴۹. نعیمیان، ذبیح الله (۱۳۸۹)، بنیادشناسی و زمینه شناسی عقلانیت، قم: مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره).
۵۰. های، کالین (۱۳۸۵)، درآمدی انتقادی بر تحلیل سیاسی، مترجم: احمد گل محمدی، تهران: نی.
۵۱. سمیعی اصفهانی، علیرضا، رفیعی قهساره، ابوذری؛ نوری، نسیم (۱۳۹۴)، «ابعاد، مؤلفه ها و تهدیدات هویت اسلامی در اندیشه مقام معظم رهبری»، مطالعات انقلاب اسلامی، دوره ۱۲، شماره ۴۲، صص ۲۷-۴۴.
۵۲. بنتون، تد؛ کرایب، یان (۱۳۸۴)، فلسفه علوم اجتماعی، ترجمه شهناز مسمی پرست و محمود متحد، تهران: آگه.

53. Bourdieu, Pierre (1986), "The forms of capital", in Hand-book of Theory and the Search for the Sociology of Ed-ucationed J.G. Richardson, New York: Greenwood Press.